

زودآیند ویرایش نشده

Factor Analysis of the Components affecting the Success of Rural Municipalities

(Case study: Mahidasht district, Kermanshah County)

Amir Mohebbi¹, Aliasghar Mirakzadeh²

Abstract

Introduction

Rural municipalities as local institutions are the link between the government and public institutions and the executive arm of Islamic councils in the modern rural management system. The most important functions of this institution are to provide many public and welfare services and facilities, strengthen the process of social and cultural development, control the process of migration from villages to cities, preserve the infrastructure facilities built in rural areas, and strengthen the process of rural and agricultural development. The overall objective of this study was to investigate the success rate of rural municipalities in the Mahidasht district and the factors affecting it.

Materials and Methods

The overall approach of the present study was qualitative-quantitative and in terms of purpose, it was in the field of applied research. In the qualitative part, using in-depth interviews and focus groups, success indicators were determined and used in the quantitative phase. In the quantitative phase, the survey method and three types of researcher-made questionnaires used. The statistical

1. Corresponding Author and Graduated in Agricultural Development, Department of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agriculture, Razi, University, Kermanshah, Iran. (Mohebi.amir2@gmail.com).

2. Associate Professor, Department of agricultural Extension and Education, Faculty of Agriculture, Razi, University, Kermanshah, Iran.

population of the present study was the rural municipals, members of the Islamic Council, and villagers of Mahidasht district. To determine the sample size of the villagers, the Morgan table used, and 335 people questioned. Given the limited statistical population among the rural municipals and members of the Islamic council, the total count method used.

Results and Discussion

The results of the qualitative phase led to the identification of success indicators, which included the participatory-administrative, environmental-physical, health, and economic-social and These results used in the quantitative phase. The results of the quantitative research showed that the rural municipals had the most activity in the participatory-administrative index and the least activity in the socio-economic index. Environmental-physical and health indicators placed in the second and third stages of the rural municipals activities respectively. Based on factor analysis, the economic infrastructure factor had the highest contribution (15.576), and the law-based-independence factor had the lowest contribution (4.774) in explaining the variance related to factors affecting the success of rural municipalities. Seven factors—economic-infrastructure, educational, structural-management, supportive, motivational, participatory-coordination, and law-based-independence—were identified as the most important factors affecting the success of rural municipalities.

Conclusions

This research, based on a holistic paradigm, examined the success of rural municipalities and the factors affecting it. The indicators that were agreed upon by the stakeholders and those involved in the rural municipalities were used as the basis for action. Therefore, internal and external evaluations were considered together, which has not been addressed in previous research. The novelty of this research is the multidimensional study of rural municipalities' performance, which includes the views of various actors in rural municipalities' affairs on the indicators and criteria for rural municipals success. Therefore, this study has considered both the indicators considered by the rural municipals and the local reality and rural municipalities facilities. The results of the research showed that there are problems in implementing the demands and decisions of the rural municipalities. Therefore, it suggested that a law for the independence of the rural municipalities be approved in the Islamic Consultative Assembly to show the rural municipalities as an official and popular institution with clear, specific, and enforceable duties and a defined scope of power and containing specific boundaries.

Keywords: Rural Municipalities, Rural Management, Local Management, People's Participation.

تحلیل عاملی مؤلفه‌های مؤثر بر موفقیت دهیاری‌ها (مورد مطالعه: بخش ماهیدشت شهرستان کرمانشاه)

امیر محبی^۱ , علی اصغر میرک‌زاده^۲ 

چکیده:

دهیاری‌ها به عنوان یک نهاد محلی، رابط میان نهادهای دولتی و مردمی، بازوی اجرایی شوراهای اسلامی در نظام مدیریت نوین روستایی می‌باشند. اهم وظایف این نهاد عبارتند از: ارائه بسیاری از خدمات و تسهیلات عمومی و رفاهی، تقویت کننده روند توسعه اجتماعی و فرهنگی، کنترل کننده روند مهاجرت از روستا به شهرها، حافظ امکانات زیربنایی احداث شده در نواحی روستایی و تقویت کننده روند توسعه روستایی و کشاورزی. هدف کلی این پژوهش بررسی میزان موفقیت دهیاری‌های بخش ماهیدشت و عوامل مؤثر بر آن بود. رویکرد کلی تحقیق حاضر کیفی- کمی و از نظر هدف در حیطه تحقیقات کاربردی قرار دارد. در بخش کیفی با استفاده از روش مصاحبه عمیق و گروه متمرکز شاخص‌های بررسی موفقیت تعیین و در فاز کمی به کار گرفته شدند. در فاز کمی از روش پیمایشی و ابزار سه نوع پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. جامعه آماری تحقیق حاضر، دهیاران، اعضای شورای اسلامی و روستاییان بخش ماهیدشت بودند. برای تعیین حجم نمونه روستاییان از جدول مورگان استفاده شد و ۳۳۵ نفر مورد پرسشگری واقع شدند. با توجه به محدود بودن جامعه آماری در بین دهیاران و اعضای شورای اسلامی از روش تمام شماری استفاده شد. نتایج فاز کیفی به شناسایی شاخص‌های بررسی موفقیت منجر شد که این شاخص‌ها شامل شاخص‌های: مشارکتی- اداری، زیست‌محیطی- کالبدی، بهداشتی و اقتصادی- اجتماعی و این نتایج در فاز کمی به کار گرفته شدند. نتایج تحقیق کمی نشان داد که دهیاران بیشترین فعالیت را در شاخص مشارکتی- اداری و کمترین فعالیت را در شاخص اقتصادی- اجتماعی داشته‌اند، شاخص‌های زیست‌محیطی- کالبدی و بهداشتی به ترتیب در مرحله دوم و سوم فعالیتی دهیاران قرار گرفتند. بر اساس تحلیل عاملی، عامل اقتصادی- زیربنایی بیشترین سهم (۱۵/۵۷۶) و عامل قانون محوری- استقلال کمترین سهم (۴/۷۷۴) را در تبیین واریانس مربوط به عوامل مؤثر

۱- نویسنده مسئول، دانش آموخته توسعه کشاورزی، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. (Mohebi.amir2@gmail.com)

۲- دانشیار، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

بر موفقیت دهیاری‌ها داشتند. هفت عامل اقتصادی- زیربنایی، آموزشی، ساختاری- مدیریتی، حمایتی، انگیزشی، مشارکتی- هماهنگی و قانون‌محوری- استقلال به‌ترتیب مهم‌ترین عوامل مؤثر بر موفقیت دهیاری‌ها شناخته شدند. این تحقیق بر اساس پارادایم کل نگر به بررسی موفقیت دهیاری‌ها و عوامل مؤثر بر آن پرداخت. شاخص‌هایی که مورد توافق ذینفعان و دست‌اندرکاران دهیاری‌ها بود مبنای عمل قرار گرفت. از این رو ارزیابی درونی و بیرونی باهم مدنظر بوده است که در تحقیقات پیشین به آن پرداخته نشده است. بنابر- این نوآوری این پژوهش، مطالعه چندبعدی عملکرد دهیاری‌هاست که در برگیرنده دیدگاه کنشگران مختلف امور دهیاری‌ها در مورد شاخص‌ها و ملاک‌های موفقیت دهیاران می‌باشد. از این رو این تحقیق هم شاخص- های مدنظر دهیاران و هم واقعیت محلی و امکانات دهیاری را مدنظر داشته است. نتایج تحقیق نشان داد که در عمل مشکلاتی جهت پیاده شدن خواست‌ها و تصمیمات دهیاری وجود دارد، از این رو پیشنهاد می‌شود قانونی جهت استقلال دهیاری به‌منظور نشان دادن دهیاری به‌عنوان یک نهاد رسمی و مردمی با وظایف شفاف و مشخص و لازم الاجرا و حیطه اعمال قدرت تعریف شده و حاوی مرزبندی مشخص در مجلس شورای اسلامی تصویب شود.

کلید واژه‌ها: دهیاری، مدیریت روستایی، مدیریت محلی، مشارکت مردمی

مقدمه

شواهد تاریخی حاکی از آن است که انسان‌ها به‌طور فطری گرایش به همکاری و مشارکت با یکدیگر را برای رفع نیازهای اساسی خود دارا هستند (Athari & Alibeygi, 2010). با بهره‌گیری از هویت منحصر به فرد تعاونی، اصول سازمانی و مشارکت جامعه، نهادهای مدیریت محلی می‌توانند تغییرات مثبت را هدایت کرده و توسعه پایدار طولانی مدت را در مناطق روستایی ترویج کنند (Svetlana & Ruchkin, 2023). مدیریت روستایی فرایند چند جانبه‌ای است که شامل سه رکن: مردم، دولت و نهادهای عمومی است. در این فرایند با مشارکت مردم و از طریق تشکیلات سازمان‌های روستایی، برنامه‌ها و طرح‌های توسعه روستایی تدوین و اجرا گردیده و تحت نظارت و ارزشیابی قرار می‌گیرند (Ravanbakhsh, 2011). در کشور ایران دهیاری‌ها یکی از سازمان‌های محلی و بازوی اجرایی شورای اسلامی روستا در نظام مدیریت روستایی به شمار می‌روند (Fathali, 2012). ساختار مدیریت جدید روستایی در کشور از دو بخش شورای اسلامی روستا به‌عنوان نهاد تصمیم‌گیر و دهیاری به‌عنوان نهاد اجرایی (Ahmadi Meybodi et al, 2022) تشکیل شده که دارای استقلال حقوقی و مالی است. تأسیس دهیاری‌ها در روستاها نیز به‌عنوان نقطه عطفی در مدیریت روستایی شناخته می‌شود، زیرا این نهادها با مشارکت مردم و همکاری دستگاه‌های اجرایی، نقش کلیدی در اجرای برنامه‌ها و طرح‌های توسعه روستایی دارند (Hajarian, 2023). شواهد نشان می‌دهد که مقوله توسعه روستایی به‌طور اعم و مدیریت روستایی در بسیاری از مناطق کشور با

مشکلات عدیده مواجه می‌باشد که اغلب موجب ناکارآمدی نظام مدیریتی گردیده و در نتیجه مشکلاتی نظیر مهاجرت، فقر و توسعه نیافتگی روستایی هنوز چالش اصلی توسعه ملی و پایدار محسوب می‌شود (Mosavi, 2013).

با توجه به اینکه روستاییان اغلب به خدمات ارائه شده از سوی سطوح بالای دولتی دسترسی کافی ندارند، تکیه بر دهیاری‌ها برای تأمین نیازهای آن‌ها مقوله‌ای بنیادی است و توسعه اجتماعی-اقتصادی در سایه مدیریت مناسب روستایی شکل خواهد گرفت، ارتباط منطقی و تنگاتنگی بین مدیریت و توسعه روستایی وجود دارد و با اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌های اصولی می‌توان گام اساسی و مؤثر در راستای توسعه روستایی برداشت (Masrounejad et al, 2021)، بنابراین شناسایی میزان موفقیت دهیاری‌ها و عوامل مؤثر بر عملکرد و چالش‌های مدیریت روستایی مسئله‌ای کلیدی برای سنجش اثربخشی ابتکارات توسعه روستایی و اطمینان از اجرای موفقیت‌آمیز استراتژی‌های پایدار به-شمار می‌رود (Elena, 2023). حضور مؤثر و تأثیرگذار دهیاران در عرصه مدیریت روستایی (به‌عنوان محور اصلی پیشرفت و توسعه روستایی) مستلزم بررسی میزان موفقیت آن‌ها و تلاش در جهت رفع مسائل، مشکلات و موانع پیش‌روی آنهاست. استان کرمانشاه یکی از استان‌هایی است که در رویکرد جدید، مدیریت روستایی را در قالب تأسیس دهیاری‌ها دنبال کرده است. با استناد به آمار موجود، از سال ۱۳۸۲ تاکنون تعداد ۱۶۲۳ مجوز تأسیس دهیاری در استان صادر شده که ۱۴۸۱ مورد از آن فعال می‌باشد و از نظر تعداد دهیاری‌ها، رتبه دوم کشور را پس از خراسان رضوی داراست. در بخش ماهیدشت شهرستان کرمانشاه تاکنون تعداد ۶۶ مجوز تأسیس صادر شده که از این تعداد ۲۴ مورد آن فعال است (Rural Affairs Office and Kermanshah Governorate Councils, 2025).

عدم توانمندی روستاییان به همراه نبود قدرت چانه‌زنی و ناآگاهی از حقوق عمومی و گاهی سردرگمی در اداره مسائل عمومی روستاهای این بخش نشان از بلاتکلیفی مدیریت روستایی و متولی مشخص آن دارد. با توجه به بررسی‌های میدانی صورت گرفته در منطقه، برخی از روستاییان بخش ماهیدشت در خصوص وظایف دهیاری‌ها اظهار بی‌اطلاعی نمودند و نهاد دهیاری را بیشتر در خدمت دولت دانسته تا مردم و از طرفی هم میزان موفقیت و عملکرد دهیاری‌های بخش ماهیدشت برای مسئولین مشخص نیست، تعدادی از دهیاران وظایف مشخص شده و محول به دهیاری را با امکاناتی که در اختیار داشتند متناسب نمی‌دیدند و از طرفی با توجه به اینکه از ابتدای سال ۱۳۹۵ توزیع اعتبار به حساب دهیاری‌ها به‌صورت مستقیم واریز می‌گردد و دهیاری‌ها با تدوین طرح‌ها قادر خواهند بود که اعتبارات بیشتری را جذب نمایند با این وجود تاکنون دهیاری‌های مورد مطالعه موفق به ارائه طرح و اخذ بودجه‌ای به این روش نشده‌اند (Researcher interview, 2025). از آنجا که در تحقیقات پیشین، به تحلیل میزان موفقیت دهیاری‌ها براساس شاخص‌های محقق‌ساخته کمتر

توجه شده، برخی از مطالعاتی که به لحاظ مفهومی به موضوع مورد نظر نزدیک است در ادامه یادآوری می‌شود؛ در این خصوص لیکان (Likane, 1992) به این نتیجه رسید که عواملی مانند زمان ناکافی، کمبود امکانات، تجهیزات و ابزار مناسب و عدم همکاری دیگران باعث کاهش عملکرد شغلی کارکنان محلی می‌شود. واکر و لوز (Walker & Lowes, 1997) معتقدند که بسترسازی برای مشارکت تمامی روستاییان در فرآیند توسعه روستایی، تمرکز بر عناصر و منابع بومی در فرآیند توسعه روستایی در قالب سرمایه انسانی و اجتماعی، دسترسی اجتماعات روستایی به خدمات و نهادهای تولید، تقویت اعتماد به نفس و خوداتکایی جوامع روستایی، ترویج شکل‌گیری نهادهای مدنی و تفویض اختیارات به واحدهای محلی از متغیرهای تأثیرگذار در عملکرد مدیریت توسعه روستایی محسوب می‌شوند.

از جمله مطالعات انجام شده می‌توان به مطالعه میلر و بنتلی (Miller & Bently, 2001) و رای (Ray, 2002) اشاره کرد و ایشان به این نتیجه رسیدند که رابطه معنی‌داری بین وجود افراد مطلع و آگاه، وجود نظام کارآمد کنترل و مدیریت با ماهیت درون‌زا و موفقیت مدیریت روستایی وجود دارد و معتقدند که توانمندسازی روستاییان و آموزش مستمر، نظارت مستمر و برنامه‌ریزی هدفمند از عوامل مؤثر بر عملکرد مدیریت توسعه پایدار روستایی است. مک‌کافری (Maccaffery, 2005) و دنیس (Dennis, 2005) در مطالعات خود به عواملی همچون آموزش مهارت‌های مورد نیاز، امکانات فیزیکی، ارزیابی عملکرد و انتظارات شغلی، به‌عنوان عوامل مؤثر در عملکرد مدیریت روستایی اشاره کردند. هلیپاپ و همکاران (Helpap et al, 2023) در مطالعه‌ای با عنوان ارزیابی و رسیدگی به چالش‌های دولت‌های محلی روستایی در ویسکانسین به این نتیجه رسیدند که چالش‌های مدیریت محلی شامل محدودیت‌های مالی، کاهش حمایت دولت و کاهش مشارکت جامعه است. به‌دست آوردن درآمدهای اضافی و مشارکت با سایر دولت‌های محلی نزدیک به‌عنوان مفیدترین روش برای رسیدگی به چالش‌های مدیریت محلی در نظر گرفته شده است. پنگ و همکاران (Peng et al, 2023) در مطالعه‌ای با عنوان عوامل مؤثر در حکمروایی روستایی چین به این نتیجه رسیدند که عدم مشارکت نخبگان از چالش‌های مهم در ترویج حکمرانی مؤثر است. روابط، تقویت سیستم‌های مدیریت دولتی، پذیرش نوآوری‌های تکنولوژیکی، حمایت از اقتصادهای جامعه و حمایت از مکانیسم‌هایی که نخبگان و استعدادهای روستایی را توانمند می‌کند از مهمترین عوامل مؤثر در حکمروایی روستایی چین است. آیزالدین محمد رامی و همکاران (Aizuddin Md Rami et al, 2021) در یک مطالعه کیفی در مالزی هشت موضوع مشکل در تصمیم‌گیری، تقویت شبکه خارجی، انتشار اطلاعات دقیق، مشارکت همه جانبه روستاییان، تهیه یک برنامه کاری کارآمد، همپوشانی و موازی‌کاری وظایف

سازمان‌های دولتی، کنترل سیاسی، کمبود امکانات و زیرساخت‌ها را مهمترین چالش‌های مدیران محلی در توسعه جامعه روستایی مالزی شناسایی کردند.

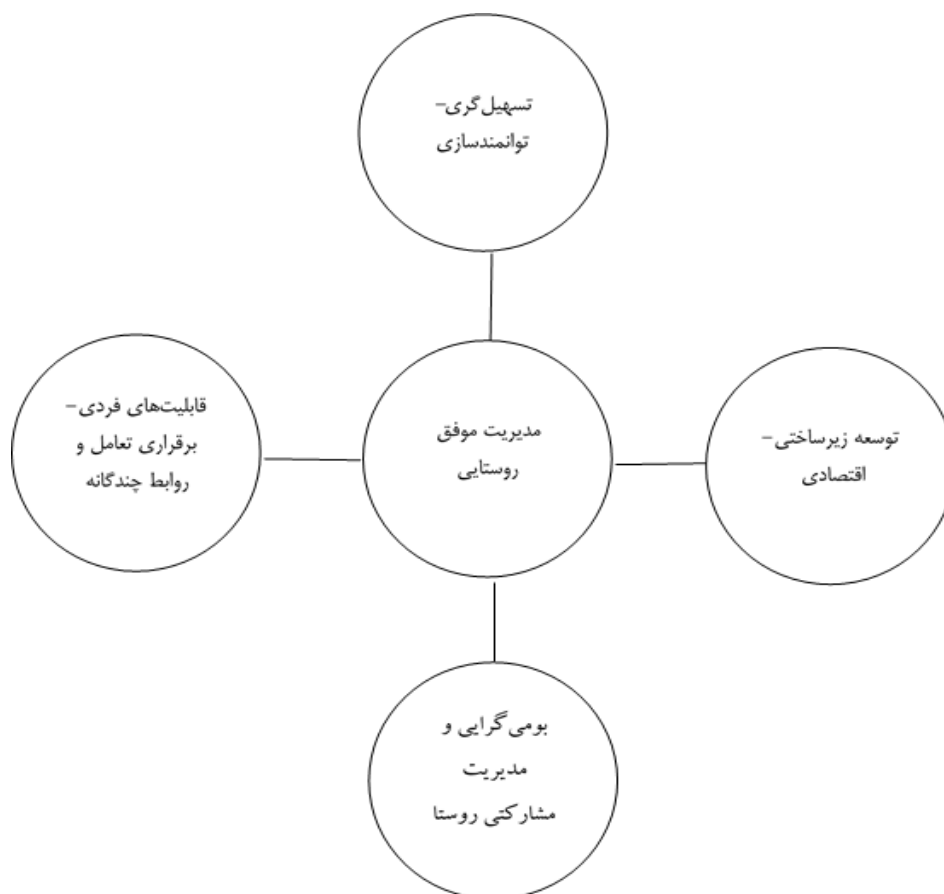
ایمانی جاجرومی و فیروزآبادی (Imani-e-jajromi & Firoozabadi, 2007) در مطالعه‌ای مدل‌های سنجش عملکرد مدیریت را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که عوامل مهم و تأثیرگذار بر عملکرد مدیریت محلی؛ ساختار اجتماعی، خصوصیات اعضا، اهداف، ابزارهای عمل و محیط می‌باشند. در مطالعه‌ای چوبچیان (Choobchian et al, 2007) عوامل مؤثر بر عملکرد دهیاری‌های استان گیلان را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که بیشترین عوامل تأثیرگذار در عملکرد دهیاری‌ها: همکاری سازمان‌ها، رضایت شغلی دهیار، همکاری شوراهای اسلامی، مشارکت‌های مردمی، میزان شرکت دهیاران در کلاس‌های آموزشی، تجهیزات و امکانات دهیاری، درآمد دهیار، موقعیت مکانی روستا، مشورت دهیار با رهبران محلی و اعضای شورا، داشتن سابقه مدیریت در خانواده، و انگیزه دهیار از فعالیت در دهیاری (طوری‌که افرادی که انگیزه‌شان از فعالیت در دهیاری، بیشتر کمک به روستاست تا کسب درآمد و موقعیت اجتماعی، عملکردشان به طور معنی‌داری با دیگران متفاوت است) بوده‌اند.

فیضی و امانی (Faizi & Amani, 2011) در مطالعه‌ای به ارزیابی عملکرد دهیاران شهرستان کامیاران پرداختند و به این نتیجه رسیدند که برای موفقیت مدیران روستایی و دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده لازم است شرایطی فراهم گردد تا عوامل تأثیرگذار بر عملکرد آن‌ها شناسایی شود و در این مطالعه عوامل تأثیرگذار بر عملکرد دهیاری‌ها: جدیدالتأسیس بودن نهاد دهیاری، میزان توقعات، خواسته‌ها و تقاضاهای ذهنی جامعه روستایی، مشارکت عمومی اهالی روستا، شناخت شوراهای اسلامی از قوانین و کنترل و نظارت کافی از سوی شورا بر فعالیت دهیاران، توقعات غیرقانونی برخی مراجعین به دهیاری، شناخت شهروندان جامعه روستایی از قوانین و مقررات و میزان اختیارات و حوزه مسئولیت دهیاران و ... بوده‌اند. رضوانی (Rezvani et al, 2013) در مطالعه‌ای عملکرد دهیاری‌های شهرستان دهلران را با مدل چارچوب عمومی ارزیابی کردند و نتایج مدل نشان داد که عملکرد دهیاری‌ها بر اساس مدل چارچوب عمومی ارزیابی و شاخص‌های استفاده شده برای ارزیابی عملکرد نامطلوب بوده است. عواملی مانند تحصیلات پایین دهیاران، آشنا نبودن آن‌ها با مبانی ارزیابی عملکرد، مشارکت نکردن مردم و ... در ناکارایی عملکرد آن‌ها مؤثر بوده است.

مرادی و آگهی (Moradi & Agahi, 2014) در پژوهشی کیفی با بهره‌گیری از روش تئوری بنیانی، مشکلات و محدودیت‌های دهیاری‌های دهستان بالادربند شهرستان کرمانشاه را از دیدگاه دهیاران بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که دهیاری‌ها با چالش‌هایی نظیر ناآگاهی مردم و سازمان‌های محلی از وظایف دهیار، نگرش منفی به دهیار، همکاری نکردن سازمان‌های محلی و

دولتی با دهیار، تدوین طرح‌های از بالا به پایین از سوی سازمان‌های اجرایی، ضعف روحیه همکاری و مشارکت خودجوش در مردم، ضعف جایگاه قانونی دهیار و بالاخره کمبود تجهیزات و منابع مالی مواجه‌اند. نادری مهدبی (Naderi-e-mahdei, 2015) با واکاوی عوامل بازدارنده دهیاری‌ها در استان همدان به این نتیجه رسید که عوامل بازدارنده و مشکلات دهیاری‌ها شامل: تداخل وظایف شوراهای دهیار، ناآشنایی شوراهای دهیار با وظایف خود، همکاری نکردن شوراهای دهیار، نهادهای حمایتی، دانشی-انگیزی، ساختاری-مدیریتی است.

همان گونه که در پیشینه فوق مشاهده می‌شود اکثر مطالعات صورت گرفته درباره مدیریت روستایی و عملکرد دهیاران در زمینه‌های مختلف بوده است که موضوعاتی چون ارزیابی عملکرد و وظایف دهیاران، عوامل بازدارنده دهیاری‌ها، مشکلات و محدودیت‌های دهیاری‌ها و ... را مورد مطالعه قرار داده است. هر یک از مطالعات انجام گرفته ابعاد خاصی را مدنظر قرار داده‌اند و با گذشت بیش از یک‌دهه از شکل‌گیری این نهاد جدید مدیریتی در روستاهای استان کرمانشاه مطالعه‌ای چندبعدی که در برگیرنده دیدگاه کنشگران مختلف امور دهیاری‌ها در مورد شاخص‌ها و ملاک‌های موفقیت دهیاران باشد که هم وظایف کلی دهیاران و هم واقعیت محلی و امکانات دهیاری را مدنظر داشته باشد صورت نگرفته است و لزوم وارد شدن شاخص‌ها در تحلیل مشخص می‌شود و خلأ پژوهشی در این زمینه وجود دارد، سنجش میزان موفقیت دهیاری‌ها میزان اثرگذاری آن‌ها در توسعه روستایی را مشخص می‌کند. از آنجا که اعضای شورای اسلامی روستا و روستاییان به‌طور ملموس در جریان کم-و کیف تغییرات در سطح روستا قرار دارند می‌توانند میزان موفقیت دهیاران را امتیازدهی کنند، بنابراین در تحقیق حاضر در مطالعه‌ای چندبعدی از نظرات اعضای شورای اسلامی روستا و روستاییان برای تعیین میزان موفقیت دهیاران استفاده شد، از این رو نوآوری، جایگاه و تمایز پژوهش حاضر نسبت به مطالعات قبلی مشخص است. هدف کلی این پژوهش بررسی میزان موفقیت دهیاری‌ها بر اساس شاخص‌هایی است که بر مبنای وظایف قانونی، نظرات خود دهیاران و کارشناسان امور روستایی استانداری تعیین شده و همچنین تعیین عوامل مؤثر بر موفقیت دهیاری‌ها است. جهت تدوین یک چارچوب مشخص و معین، با تکیه بر اسناد و مدارک علمی، دیدگاه‌ها و تجارب اندیشمندان و پژوهشگران کشورهای مختلف در ایران و همچنین تجارب پژوهشگران کشورهای مختلف و با در نظر گرفتن بخش‌هایی از این دیدگاه‌ها و تحقیقات که با اهداف تحقیق حاضر مرتبط بود و ابعاد مختلف مدیریت موفق روستایی، به استخراج و تعیین مفاهیم اقدام گردید و مدل مفهومی تحقیق مطابق شکل ۱ طراحی شد.



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از لحاظ هدف جزء تحقیقات کاربردی است و این مطالعه از لحاظ پارادایم ترکیبی (کیفی- کمی)، بخش کیفی از لحاظ روش‌شناسی، مطالعه موردی و روش تحقیق مورد استفاده در بخش کمی، توصیفی- پیمایشی بود و با بهره‌گیری از طرح ترکیبی متوالی استقرایی^۱ (ابتدا با اجرای روش مطالعه موردی و سپس اجرای روش توصیفی- پیمایشی)، در نهایت ترکیب نتایج دو روش مذکور صورت پذیرفت.

جامعه آماری این پژوهش شامل پنج گروه کارشناسان امور روستایی استانداری، نخبگان محلی، دهیاران، اعضای شورای اسلامی روستاها و روستاییان بود. نمونه‌های مورد مطالعه در بخش کیفی،

^۱. Inductive- Sequential Mixed Methods Design

شامل ۴ نفر از کارشناسان استانداری و ۸ نفر از دهیاران بخش ماهیدشت و ۴ نفر از خبرگان محلی روستاهای دارای دهیاری فعال بود که به روش نمونه‌گیری هدفمند مورد مطالعه قرار گرفتند. واحدهای مورد مطالعه در این پژوهش ۲۴ دهیار روستاهای دارای دهیاری فعال واقع در بخش ماهیدشت بود که ۲۴۱۰ خانوار و ۹۴۸۲ نفر در آن ساکن بودند و دارای ۷۰ نفر اعضای شورای اسلامی روستا بودند. ۲۴ نفر دهیار و ۷۰ نفر عضو شورای اسلامی روستا به روش تمام شماری مورد مطالعه قرار گرفتند و در مطالعه خانوارهای روستایی از روش تصادفی طبقه‌ای استفاده شد. جهت تعیین حجم نمونه در بخش کمی با استفاده از جدول مورگان حجم نمونه‌ای برابر ۳۳۵ نفر از روستاییان تعیین گردید که تعداد نمونه‌ها براساس سهم جمعیتی توزیع شده در روستا و به صورت تصادفی مورد پرسشگری قرار گرفتند و با توجه به اینکه تعداد اعضای شورای اسلامی روستا ۷۰ نفر بود و تعداد دهیاران فعال و با سابقه این بخش ۲۴ نفر بود از روش تمام شماری استفاده شد.

در بخش کیفی جهت جمع‌آوری اطلاعات، از تکنیک‌های مشاهده، مصاحبه عمیق و گروه متمرکز استفاده شد. در مراحل اولیه تحقیق با استفاده از طرح‌های تحقیقاتی و مقالات، پایان‌نامه‌های دانشجویی و وظایف قانونی دهیاری‌ها شاخص‌های بررسی موفقیت تدوین شد. در مراحل بعدی مصاحبه‌هایی با کارشناسان استانداری صورت پذیرفت و نظرات آنان نیز در مورد شاخص‌ها اعمال شد. جهت تعیین حد نهایی حجم نمونه در این تحقیق، دستیابی به اشباع نظری^۱ در هر یک از مقولات؛ مبنا قرار گرفت، اشباع نظری زمانی حاصل می‌شود که با ادامه‌ی تحقیق، روابط معنادار و مهم جدیدی بین داده‌ها به وجود نیاید؛ به بیان دیگر محقق تا جایی تحقیق را ادامه می‌دهد که دیگر داده‌ی جدیدی به دست نیامد (در مورد هر یک از سؤالات تحقیق، از زمانی که احساس شد پاسخ‌ها تکراری می‌شوند، چند نفر مصاحبه پیدا کرد تا از اشباع، اطمینان حاصل شود). در ادامه تکنیک مشاهده جهت شناسایی و آشنایی با کارهایی که دهیاران انجام می‌دادند به کار برده شد، در حین مشاهده با دهیاران و نخبگان محلی مصاحبه‌هایی نیز صورت گرفت. ۱۶ مصاحبه از بین ۸ نفر دهیار، ۴ نفر کارشناس استانداری و ۴ نفر از نخبگان محلی صورت گرفت و زمان انجام مصاحبه‌ها از ۳۰ دقیقه تا ۶۰ دقیقه بود و از آنان در مورد مقوله‌ها و شاخص‌های بررسی موفقیت پرسش شد. سپس به منظور افزایش اعتبار داده‌ها، گروه متمرکز ۸ نفره از دهیاران و به مدت ۶۰ دقیقه تشکیل شد و در آن دهیاران به تبادل نظر در خصوص شاخص‌های موفقیت مدیریت روستایی پرداختند. در نهایت شاخص‌های بررسی موفقیت در اختیار کارشناسان استانداری و دهیاران قرار گرفت و با اهمیت‌ترین شاخص‌های بررسی موفقیت در بخش کیفی استخراج و مشخص گردید و جهت گردآوری داده‌ها در بخش کمی سه نوع پرسشنامه براساس نتایج حاصل شده از بخش کیفی طراحی گردید.

¹- Theoretical Saturation

مفهوم روایی و پایایی در تحقیقات کیفی با تحقیقات کمی متفاوت است. در تحقیقات کیفی روایی و پایایی به عنوان اعتماد، دقت و کیفیت تفسیر شده است. به منظور دستیابی به روایی و پایایی تحقیق در بخش کیفی در این تحقیق مصاحبه با طیف‌های مختلف و شیوه‌های متفاوت گردآوری اطلاعات مانند مشاهده، مصاحبه‌های فردی و گروهی به کار برده شد تا دقت داده‌ها افزایش یابد و سعی شد تا با بررسی موارد مختلف، شاخص‌های بررسی موفقیت حتی‌الامکان شناسایی و مشخص شود. انتخاب گروه‌های مختلف هدف دیگری هم داشت و آن مثلث‌سازی، در راستای ارتقاء تأییدپذیری و انتقال‌پذیری نتایج تحقیق بود. در تحقیق حاضر روایی سؤالات پرسشنامه‌های مورد استفاده در این مطالعه توسط پانل متخصصان ترویج و توسعه روستایی دانشگاه رازی تأیید شد. در این تحقیق به منظور تعیین پایایی پرسشنامه، از آزمون آلفای کرونباخ استفاده گردید، بدین ترتیب که تعداد ۳۰ پرسشنامه خارج از نمونه آماری تکمیل گردید و با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ، پایایی قسمت‌های مختلف آن بررسی شد. ضریب آلفای کرونباخ در مقیاس بررسی میزان موفقیت دهیاری‌ها بر اساس شاخص‌های چهارگانه پرسشنامه روستاییان ۰/۸۵، در مقیاس بررسی میزان موفقیت دهیاری‌ها بر اساس شاخص‌های چهارگانه پرسشنامه اعضای شورای اسلامی روستا ۰/۸۴ و در مقیاس بررسی میزان موفقیت دهیاری‌ها بر اساس شاخص‌های چهارگانه پرسشنامه دهیاران ۰/۸۵ محاسبه شد و این مقدار برای انجام تحقیق قابل قبول است.

داده‌های جمع‌آوری شده در بخش کیفی با روش تحلیل محتوا و در قالب سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شدند و در کدگذاری باز، طبقات اطلاعاتی با استفاده از فرآیند مقایسه مستمر داده‌ها با یکدیگر و در کنار هم قرار دادن نقل‌قول‌های مشابه ایجاد شد و در کدگذاری محوری یکی از این طبقات که به لحاظ مفهومی توان تحت پوشش دادن داده‌های زیرمجموعه خود را داشت، انتخاب شد. سپس استنباط یک روایت یا داستان از روابط درونی این طبقات و مرتبط کردن متغیرها در راستای هدف تحقیق، در کدگذاری انتخابی صورت پذیرفت. در واقع، کدگذاری انتخابی به دنبال برقراری روابط بین کدها است تا محقق را به فهم عمیق‌تری از داده‌ها رسانده و الگوهای نظری را شکل دهد. کل این فرایند با دقت و طی چندین دور بازبینی انجام شد تا از انسجام درونی و اعتبار ساختاری مقوله‌های نهایی اطمینان حاصل شود. در نهایت شاخص‌های معتبر تدوین شدند و برای تجزیه و تحلیل داده‌های آماری در بخش کمی از نرم افزار SPSS و روش‌های آماری توصیفی و استنباطی استفاده شد. در این تحقیق از تکنیک شاخص‌سازی نیز استفاده شد؛ بدین صورت که پس از بررسی وظایف دهیاران و مصاحبه‌های صورت گرفته با دهیاران، مصادیق موفقیت مدیریت روستایی مشخص شد و این مصادیق در چهار دسته: شاخص مشارکتی- اداری، شاخص بهداشتی،

شاخص اقتصادی- اجتماعی و شاخص زیست‌محیطی- کالبدی تقسیم شدند و به‌منظور اعمال وزن به شاخص‌ها از نظرات گروه پنل استفاده شد.

نتایج و بحث

میزان موفقیت دهیاری‌ها در هر شاخص از سه دیدگاه

نتایج بخش کیفی منجر به شناسایی شاخص‌های بررسی موفقیت شد که این شاخص‌ها شامل شاخص‌های: مشارکتی- اداری، زیست‌محیطی- کالبدی، بهداشتی و اقتصادی- اجتماعی و این نتایج در فاز کمی به کار گرفته شدند. به‌منظور بررسی میزان موفقیت دهیاری‌ها از دیدگاه دهیاران، اعضای شورای اسلامی و روستاییان، میانگین نهایی (میزان موفقیت دهیاری‌ها از دیدگاه دهیاران، اعضای شورای اسلامی و روستاییان با هم جمع شد و تقسیم بر ۳ شد) میزان موفقیت دهیاری‌ها در هر شاخص از ۱۰۰ محاسبه شد. براساس جدول ۱ بیشترین موفقیت دهیاری‌ها از ۳ دیدگاه در شاخص مشارکتی- اداری و کمترین موفقیت در شاخص اقتصادی- اجتماعی بود.

جدول ۱- میزان موفقیت دهیاری‌ها در هر شاخص از سه دیدگاه

شاخص‌ها	میانگین	انحراف معیار
مشارکتی- اداری	۸۰/۵۹	۱۲/۸۶
زیست‌محیطی- کالبدی	۷۸/۶۶	۱۴/۸۷
بهداشتی	۷۷/۳۸	۱۵/۷۶
اقتصادی- اجتماعی	۷۱/۰۶	۱۵/۱۹

منبع: یافته‌های پژوهش

رتبه‌بندی دهیاری‌ها براساس عملکرد نهایی

دهیاری‌ها از دیدگاه دهیاران دارای یک نمره عملکرد، از دیدگاه اعضای شورا دارای یک نمره عملکرد و از دیدگاه روستاییان دارای یک نمره عملکرد بودند که این سه نمره عملکرد با هم جمع و تقسیم بر ۳ شدند و دهیاری‌ها براساس نمره نهایی عملکرد که میانگین عملکرد دهیاری‌ها از سه دیدگاه بود رتبه‌بندی شدند. دهیاری گوهرآباد از دیدگاه روستاییان دارای نمره عملکرد ۹۱/۸۰، از دیدگاه اعضای شورا دارای نمره عملکرد ۸۴/۰۳ و از دیدگاه خود دهیار (خودارزیابی) دارای نمره عملکرد ۹۶/۱۵ بود که نمره‌های عملکرد از دیدگاه‌های مختلف با هم جمع شد و تقسیم بر ۳ شد و نمره عملکرد نهایی ۹۰/۶۶ حاصل شد و به این ترتیب دهیاری گوهرآباد رتبه اول را در بین دهیاری‌های بخش ماهیدشت به خود اختصاص داد.

جدول ۲- رتبه‌بندی دهیاری‌ها

رتبه	دهیاری	عملکرد نهایی	عملکرد از دیدگاه روستاییان	عملکرد از دیدگاه شورا	عملکرد از دیدگاه دهیار
۱	گوهر آباد	۹۰/۶۶	۹۱/۸۰	۸۴/۰۳	۹۶/۱۵
۲	سه‌چقا سیدمحمد	۸۹/۱۷	۸۱/۶۸	۹۸/۰۱	۸۷/۸۴
۳	قمشه‌تپه	۸۶/۸۲	۹۴/۷۸	۸۵/۶۲	۸۰/۰۸
۴	چقاگینو	۸۶/۵۹	۹۰/۲۹	۸۴/۹۸	۸۴/۵۲
۵	قمشه سیدیعقوب	۸۶/۳۹	۸۴/۲۸	۹۵/۸۳	۷۹/۰۷
۶	چهارزبر سفلی	۸۵/۱۷	۸۶/۰۸	۷۸/۷۶	۹۰/۶۹
۷	لعل‌آباد حسینقلی خانی	۸۲/۹۹	۸۸/۵۱	۷۴/۳۶	۸۶/۱۱
۸	بانگن‌جانب	۸۲/۵۵	۸۵/۶۷	۷۵/۲۹	۸۶/۷۱
۹	جامه‌شوران	۸۱/۲۰	۷۶/۹۷	۸۴/۹۷	۸۱/۶۷
۱۰	لعل‌آباد سیدجعفری	۷۹/۳۲	۸۱/۴۵	۷۲/۱۵	۸۴/۳۸
۱۱	قمشه سیدقاسم	۷۷/۷۶	۷۹/۹۷	۷۸/۶۱	۷۴/۷۲
۱۲	ریزوند	۷۷/۴۶	۷۹/۴۲	۷۶/۵۵	۷۶/۴۳
۱۳	کلیایی	۷۵/۸۸	۸۰/۵۴	۷۴/۱۸	۷۲/۹۲
۱۴	سیمینه علیا	۷۵/۱۹	۷۵/۵۲	۸۳/۱۷	۶۶/۹۰
۱۵	قلعه نجفعلی خان	۷۴/۴۲	۷۱/۲۳	۷۴/۷۲	۷۷/۳۲
۱۶	قمشه لرزنگنه	۷۳/۳۱	۷۸/۲۹	۷۲/۸۴	۶۸/۸۱
۱۷	توه لطیف	۷۱/۰۵	۴۸/۲۰	۸۹/۳۹	۷۵/۵۶
۱۸	چقازرد	۷۰/۰۹	۶۴/۹۰	۶۱/۲۰	۸۴/۱۹
۱۹	چقابلق خواجه‌باشی	۶۹/۸۳	۷۶/۴۵	۶۷/۷۹	۶۵/۲۶
۲۰	چقاکلبعلی	۶۹/۲۲	۶۷/۶۱	۶۵/۷۲	۷۴/۳۵
۲۱	قلعه دارابخان	۶۷/۰۷	۶۸/۰۳	۶۳/۳۱	۶۹/۸۸
۲۲	چشمه سفید	۶۴/۱۸	۸۲/۷۳	۳۹/۸۳	۶۹/۹۸
۲۳	چقانرگس	۶۴/۰۴	۶۶/۹۰	۵۳/۸۰	۷۷/۴۲
۲۴	نامیوند علیا	۶۱/۹۴	۵۱/۸۱	۷۱/۳۶	۶۱/۸۳

منبع: یافته‌های پژوهش

عوامل مؤثر بر موفقیت دهیاری

به منظور تعیین عوامل مؤثر بر موفقیت دهیاری از تحلیل عاملی استفاده شد. در این راستا داده‌های به دست آمده از پرسشنامه روستاییان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به این منظور ابتدا مناسب بودن داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی مورد بررسی قرار گرفت برای این کار ملاک KMO محاسبه گردید مقدار مناسب این ملاک (۰/۷۰۳) بیانگر امکان استفاده از تحلیل عاملی روی داده‌ها بود. همچنین مقدار آزمون بارتلت و سطح معنی داری آن مناسب بودن داده‌ها را تأیید می‌کند (جدول ۳).

جدول ۳- مقدار KMO، نتیجه آزمون بارتلت و سطح معنی داری

KMO	نتیجه آزمون بارتلت	df	سطح معنی داری
۰/۷۰۳	۱۳۰۴/۲۸۰	۴۳۵	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

عوامل موفقیت در این تکنیک در ۷ عامل دسته‌بندی شدند که واریانس برابر با ۶۸/۰۲۸ درصد از واریانس کل را تبیین کردند. برای تفسیرپذیر کردن عامل‌ها، از روش چرخش واریماکس استفاده شد. ملاک استخراج تعداد عامل‌ها ملاک کیسر و معنی داری بارهای عاملی ۰/۳ در نظر گرفته شد.

جدول ۴- عوامل استخراج شده به تفکیک مقدار ویژه، واریانس و واریانس تجمعی

عامل	نام انتخابی برای عامل	مقدار ویژه	واریانس	درصد واریانس تجمعی
۱	اقتصادی- زیر بنایی	۴/۶۷۳	۱۵/۵۷۶	۱۵/۵۷۶
۲	آموزشی	۴/۱۲۳	۱۳/۷۴۲	۲۹/۳۱۸
۳	ساختاری- مدیریتی	۳/۰۷۳	۱۰/۲۴۲	۳۹/۵۶۰
۴	حمایتی	۲/۹۸۹	۹/۹۶۲	۴۹/۵۲۲
۵	انگیزشی	۲/۵۷۴	۸/۵۸۰	۵۸/۱۰۳
۶	مشارکتی- هماهنگی	۱/۵۴۵	۵/۱۵۲	۶۳/۲۵۴
۷	قانون محوری- استقلال	۱/۴۳۲	۴/۷۷۴	۶۸/۰۲۸

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۴ نشان می‌دهد که عامل اقتصادی- زیربنایی بیشترین سهم (۱۵/۵۷۶) و عامل قانون محوری- استقلال کمترین سهم (۴/۷۷۴) را در تبیین واریانس مربوط به عوامل مؤثر بر موفقیت دهیاری‌ها داشتند. در جدول ۵ مؤلفه‌های بار شده بر هر عامل به همراه بار عاملی حاصل از چرخش

دوران یافته وریماکس گزارش شده و عوامل موفقیت در ۷ دسته کلی گنجانده شده است. نام‌گذاری عامل‌ها با توجه به مؤلفه‌های بارشده بر هر کدام از متغیرها انجام شده است، بدین ترتیب مجموع هفت عامل، ۶۸/۰۲۸ درصد از واریانس کل را تبیین کرده‌اند. این عوامل با توجه به متغیرهای بار شده بر هر عامل به این شرح نام‌گذاری شدند: اقتصادی- زیربنایی، آموزشی، ساختاری- مدیریتی، حمایتی، انگیزشی، مشارکتی- هماهنگی، قانون‌محوری- استقلال.

۱. عامل اول: این عامل، «اقتصادی- زیربنایی» نام‌گذاری شد که ۱۵/۵۷۶ درصد از واریانس را تبیین می‌کند و نشان می‌دهد که ۱۵/۵۷۶ درصد واریانس شاخص میزان موفقیت دهیاری‌ها با این عامل تبیین می‌شود. این عامل بالاترین همبستگی (۷۴/۳ درصد) را با گویه «امکانات و تجهیزات و ماشین‌آلات کافی و متناسب با نیازهای منطقه در اختیار دهیاری قرار گیرد.» نشان داد. پس از آن به- ترتیب متغیرهای حقوق و مزایای کافی به دهیاری تعلق گیرد ۷۲ درصد، بودجه و اعتبارات کافی براساس نیاز روستا که توسط دهیاری پیش‌بینی شده است اختصاص یابد ۶۶/۱ درصد، بودجه و اعتبارات روستا به‌موقع پرداخت شود تا کارایی لازم را داشته باشد ۶۵/۶ درصد با این عامل همبستگی نشان دادند.

۲. عامل دوم: این عامل «آموزشی» نام‌گذاری شد که ۱۳/۷۴۲ درصد از واریانس کل میزان موفقیت دهیاری‌ها را تبیین می‌کند.

۳. عامل سوم: این عامل «ساختاری- مدیریتی» نام‌گذاری شد که ۱۰/۲۴۲ درصد از واریانس کل میزان موفقیت دهیاری‌ها را تبیین می‌کند.

۴. عامل چهارم: این عامل «حمایتی» نام‌گذاری شد که ۹/۹۶۲ درصد از واریانس کل میزان موفقیت دهیاری‌ها را تبیین می‌کند.

۵. عامل پنجم: این عامل «انگیزشی» نام‌گذاری شد که ۸/۵۸۰ درصد از واریانس کل میزان موفقیت دهیاری‌ها را تبیین می‌کند.

۶. عامل ششم: این عامل «مشارکتی- هماهنگی» نام‌گذاری شد که ۵/۱۵۲ درصد از واریانس کل میزان موفقیت دهیاری‌ها را تبیین می‌کند.

۷. عامل هفتم: این عامل «قانون‌محوری- استقلال» نام‌گذاری شد که ۴/۷۷۴ درصد از واریانس کل میزان موفقیت دهیاری‌ها را تبیین می‌کند.

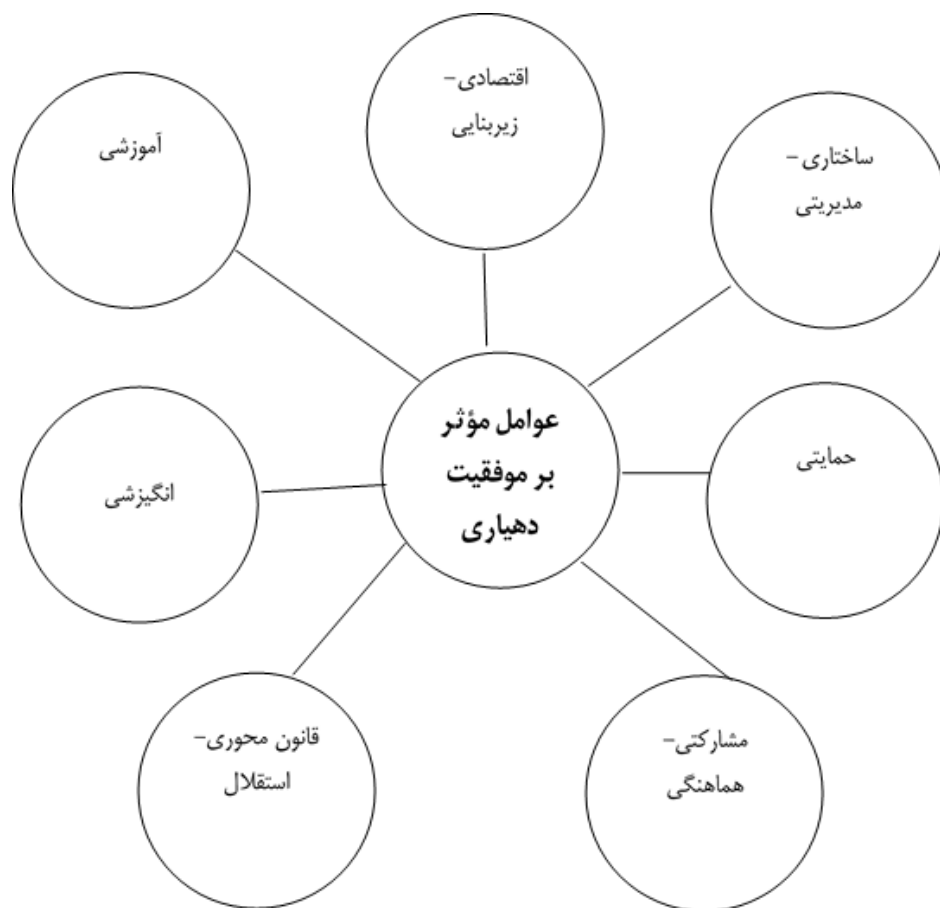
عامل‌های استخراج شده به همراه بارهای عاملی متغیرهای مربوط به آن در جدول ۵ نشان داده شده‌اند.

جدول ۵- مؤلفه‌های مربوط به هریک از عوامل و مقدار بارعاملی به‌دست آمده از ماتریس دوران‌یافته

عامل	متغیر	بار عاملی
اقتصادی- زیربنایی	حقوق و مزایای کافی به دهیاری تعلق گیرد.	۰/۷۲۰
	بودجه و اعتبارات کافی براساس نیاز روستا که توسط دهیاری پیش‌بینی شده است اختصاص یابد.	۰/۶۶۱
	بودجه و اعتبارات روستا به‌موقع پرداخت شود تا کارآیی لازم را داشته باشد.	۰/۶۵۶
	امکانات و تجهیزات و ماشین‌آلات کافی و متناسب با نیازهای منطقه در اختیار دهیاری قرار گیرد.	۰/۷۴۳
آموزشی	دهیار در جلسات سازمان‌ها بخصوص بخش‌داری حضور منظم داشته باشد و در دوره‌های آموزشی دهیاران شرکت کند و به وظایف خود آگاه باشد.	۰/۵۶۶
	برگزاری کلاس‌های آموزشی برای آشنایی اعضای شورا با وظایف دهیاری تا توقع آنان از دهیار منطقی باشد و با او همکاری کنند.	۰/۷۳۶
	برگزاری کلاس‌های آموزشی برای آشنایی روستاییان با وظایف دهیاری تا توقع آنان از دهیار منطقی باشد و با او همکاری کنند.	۰/۵۲۲
	انتخاب افراد متخصص و آشنا به کار و باتجربه به‌عنوان اعضای شورا و دهیار در پیشبرد اهداف دهیاری مؤثر است.	۰/۷۸۷
ساختاری- مدیریتی	دهیار بومی باشد تا بتواند مردم و روابط اجتماعی آن‌ها را بشناسد و مردم نیز مراعات او را بکنند.	۰/۷۵۵
	انتخاب و برکنار کردن دهیار زیر نظر شورا نباشد و حد و مرزهایی برای دخالت شورا تعیین کنند.	۰/۸۰۱
	دهیاری تحت نظارت و کنترل هم شورا و هم بخش‌داری باشد بهتر است.	۰/۵۷۲
	دخالت اعضای شورا از دلایل اصلی ناکارآمدی دهیاری است.	۰/۸۳۱
حمایتی	تعیین معیارهای مشخص برای انتخاب دهیار تا از حالت فامیلی در آید.	۰/۷۱۳
	بخش‌داری و سازمان‌های دیگر دهیاری را پشتیبانی و حمایت مالی کنند.	۰/۵۱۸
	وجود افراد ثروتمند، با نفوذ و معتمد و حامی دهیاری در پیشبرد اهداف دهیاری تأثیرگذار است.	۰/۶۸۹
	وجود روستاییان خلاق، باسواد، آگاه به وظایف دهیاری و منتقد در پیشبرد اهداف دهیاری مؤثر است.	۰/۵۳۷
	وظایف محوله به دهیار زیاد است و براساس شرح وظایف، بسترها و امکانات فراهم شود.	۰/۵۷۰

•/۵۹۸	دهیاران را در ابتدای شروع به کارشان طی مراسمی به روستاییان معرفی کنند.	
•/۸۷۹	دهیار علاقه‌مند به کار خود باشد و به کار خود تعلق خاطر داشته باشد.	
•/۶۴۷	دهیاری از همکاری با مسئول امور مالی، پیمانکاران یا کارگران دهیاری رضایت داشته باشد.	انگیزشی
•/۶۵۴	دهیاری از همکاری با اعضای شورای اسلامی رضایت داشته باشد.	
•/۷۳۲	برای افزایش انگیزه دهیاران، فعالیت‌های دهیاران توسط بخش‌داری ارزشیابی شود و از آن‌ها قدردانی شود و دهیاران را رتبه‌بندی کنند.	
•/۶۷۸	هماهنگی و همکاری سازمان‌ها و پاسخگویی سریع آن‌ها باعث اعتماد مردم به دهیاری می‌شود.	مشارکتی - هماهنگی
•/۵۶۳	دهیاری از راه‌حل‌های محلی و مورد قبول مردم روستایی استفاده نماید (برای توجیه مردم، معتمدان و ریش سفیدان محل را فراموش نکند).	
•/۶۵۵	دهیاری باید قادر به جلب اعتماد مردم باشد و مشارکت و همکاری مردم خیلی مهم است.	
•/۷۴۳	دهیار استقلال عمل داشته باشد و بتواند اولویت‌بندی پروژه‌های روستایی را تعیین کند.	قانون محوری - استقلال
•/۷۳۹	فراهم شدن امکان مکاتبه مستقیم دهیاری با سایر سازمان‌ها در پیشبرد اهداف دهیاری مؤثر است.	
•/۵۹۳	شرح وظایف دهیاران به سایر سازمان‌ها اطلاع رسانی شود تا دهیار به رسمیت شناخته شود.	

منبع: یافته‌های پژوهش



شکل ۲. الگوی تبیین شده از عوامل مؤثر بر موفقیت دهیاری‌ها

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مدیریت روستایی کارآمد و اثرگذار از مؤلفه‌های ضروری و پیش نیازهای توسعه روستایی به شمار می‌آید و دهیاری به‌عنوان نهاد اجرای مدیریت روستایی نقش ویژه در مدیریت روستایی دارد، بررسی موفقیت و تأثیرگذاری دهیاری‌ها به‌عنوان نهاد اجرایی در ابعاد مختلف، به مشخص شدن نقاط قوت و ضعف آن‌ها خواهد انجامید و موفقیت و یا عدم موفقیت این نهاد تا حدود زیادی بستگی به وجود یا عدم وجود پیش زمینه‌ها و ساختارهای مناسب اداری و تشکیلاتی دارد.

در میان چهار شاخص بررسی میزان موفقیت، دهیاری‌ها در شاخص مشارکتی- اداری بیشترین موفقیت و میزان موفقیت دهیاری‌ها در رتبه دوم در شاخص زیست‌محیطی- کالبدی بود، میزان موفقیت دهیاران در رتبه سوم در شاخص بهداشتی و کمترین میزان موفقیت دهیاران در شاخص

اقتصادی- اجتماعی بود. به طور کلی اثرات و عملکرد دهیاری‌ها در بخش مورد مطالعه مثبت ارزیابی شد که با نتایج مطالعات تقدیسی و همکاران (Taghdisi et al, 2011)، فال‌سلیمان و همکاران (Fal-e-soleiman et al, 2012) مطابقت دارد؛ ولی برخلاف نتایج مطالعات رضوانی (Rezvani et al, 2013) و امینی و جمینی (Amini & Jamini, 2014) می‌باشد که در پژوهش‌های خود به عملکرد نامطلوب دهیاری‌ها در ابعاد مختلف توسعه روستایی رسیده‌اند.

در خصوص بررسی شاخص مشارکتی- اداری همه نماگرهای شاخص میانگینی بالاتر از ۶۰ داشتند و نتایج حاکی از این است که پاسخ‌گویان میزان موفقیت دهیاری را در نماگرهای این شاخص از حد متوسط تا خیلی‌زیاد ارزیابی کرده‌اند. نظریه پردازان امر توسعه و به‌ویژه توسعه روستایی بر مشارکت مردمی روستاییان در طرح‌های توسعه روستایی بیش از گذشته پافشاری می‌کنند (Mahdavi et al, 2016). مطیعی لنگرودی (Motiee-e-langroudi, 2003) نیز به نقش مشارکت در نظام مدیریت روستایی اشاره کرده و تأکید نموده که این عامل باید مورد توجه دهیاران قرار گیرد، قدیری معصوم و ریاحی (Gadiri-e-masoum & Riahi, 2004) نیز مشارکت مردم و نهادهای محلی را از ویژگی‌های اصلی مدیریت روستایی برشمرده‌اند. حضور افراد در طرح‌ها و تصمیم‌گیری‌های اجتماعی در بلندمدت موجب تعمیق روابط بین اعضای جامعه و افزایش احساس یگانگی می‌شود (Aazami et al, 2015).

براساس یافته‌ها در شاخص بهداشتی همه نماگرهای شاخص میانگینی بالاتر از ۶۰ داشتند و نتایج حاکی از این است که پاسخ‌گویان میزان موفقیت دهیاری را در نماگرهای این شاخص از حد متوسط تا خیلی‌زیاد ارزیابی کرده‌اند که این یافته با تحقیقات فراهانی و رستم‌خانی (Farahani & Rostamkhoni, 2012) همسو است. در خصوص بررسی شاخص اقتصادی- اجتماعی همه نماگرهای شاخص میانگینی بالاتر از ۶۰ داشتند و نتایج حاکی از این است که پاسخ‌گویان میزان موفقیت دهیاری را در نماگرهای این شاخص از حد متوسط تا خیلی‌زیاد ارزیابی کرده‌اند.

در خصوص بررسی شاخص زیست‌محیطی- کالبدی همه نماگرهای شاخص میانگینی بالاتر از ۶۰ داشتند و نتایج حاکی از این است که پاسخ‌گویان میزان موفقیت دهیاری را در نماگرهای این شاخص از حد متوسط تا خیلی‌زیاد ارزیابی کرده‌اند که این نتایج با تحقیقات مهدوی و نجفی (Mahdavi & Najafi, 2005)، قنبری و بهرامی (Ghanbari & Bahrami, 2016) و لطفی و همکاران (Lotfi et al, 2016) مطابقت دارد.

در مجموع عملکرد دهیاری‌ها در بخش مورد مطالعه بیشتر از حد متوسط ارزیابی شد و البته ضعف‌هایی در عملکرد آنان مشهود بود. با توجه به اینکه عملکرد دهیاری‌ها از دیدگاه سه گروه بررسی شد در روستاهای مختلف، دیدگاه‌های متفاوت، ارزیابی‌های متفاوتی از عملکرد دهیاری

داشتند. در برخی روستاها، دهیاران ارزیابی مطلوب‌تری درباره عملکرد دهیاری داشتند و در برخی روستاها، اعضای شورای اسلامی روستا ارزیابی مطلوب‌تری درباره عملکرد دهیاری داشتند و در برخی روستاهای دیگر، روستاییان دیدگاه مطلوب‌تری درباره دهیاری داشتند.

این تفاوت دیدگاه‌ها در مورد میزان موفقیت مدیریت موفق روستایی می‌تواند به این دلیل بوده باشد که عملکرد دهیاری‌ها در شاخص‌های متفاوت برای مردم چنان که باید و شاید ملموس نبوده است. لذا پیشنهاد می‌گردد که جهت آگاهی مردم از فعالیت‌ها و عملکرد دهیاری، مدیریت موفق روستایی با برگزاری جلسات عمومی به توجیه روستاییان در مورد فعالیت‌های خود در زمینه‌های مختلف بپردازد تا هم روستاییان در جریان این فعالیت‌ها قرار گیرند و هم اختلاف دیدگاه‌هایشان با یکدیگر به حداقل برسد. شایان ذکر است که ناآشنایی کافی دهیاران، اعضای شورای اسلامی روستا و روستاییان نسبت به اهمیت و نقش نظام ارزیابی عملکرد، هم‌زمانی انجام تحقیق با انتخابات شوراهای اسلامی روستا و روحیات محافظه‌کارانه روستاییان و عدم همکاری مناسب برخی ادارات برای جمع‌آوری اطلاعات، بر نتایج به‌دست آمده تأثیرگذار بود و باعث به وجود آمدن تفاوت‌هایی در یافته‌ها با واقعیت گردید.

بررسی ویتز- شاپیرو (Weitz-shapiro, 2007) رابطه میان رضایت شهروندان و عملکرد حکومت‌های محلی را تأیید کرده است. بنابراین براساس مطالعات قبلی می‌توان رضایت شهروندان را بر عملکرد سازمان‌های محلی مؤثر دانست. یافته‌های این تحقیق نشان داد که حسن نظر روستاییان و اعضای شورای اسلامی روستا از عملکرد مدیریت موفق روستایی نشان دهنده رضایت نسبی آنان است که شایان ذکر است این سطح رضایت بر اساس در نظر گرفتن شرایط و امکانات و منابع دهیاری‌ها از سوی پاسخگویان ابراز شده است. حل کامل مشکلات و کسب رضایت روستاییان نیازمند حمایت‌های مالی، اداری، مشارکتی و ... از سوی دولت و روستاییان است. البته روستاییان از دهیاری نیز انتظار ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش کارگاه‌های تولیدی را داشتند، به عبارتی دیگر انتظار مردم از دهیاری انجام فعالیت‌هایی جهت حل مشکلات معیشت و بهبود اوضاع اقتصادی مردم بود.

یافته‌ها نشان دادند که عوامل اقتصادی- زیربنایی، آموزشی، ساختاری- مدیریتی، حمایتی، انگیزشی، مشارکتی- هماهنگی، قانون‌محوری- استقلال با تبیین بیشترین واریانس (۶۸/۰۲۸) به‌عنوان مهم‌ترین عوامل استخراج شدند. عامل اقتصادی- زیربنایی به‌عنوان نخستین عامل استخراج شد که این یافته‌ها با نتایج تحقیقات لیکان (Likane, 1992)، ساراسنو (Saraceno, 2000)، گلدمن (Goldman, 2002)، چوبچیان و همکاران (Choobchian et al, 2007)، تقدیسی و همکاران (Taghdisi et al, 2011)، مرادی و آگهی (Moradi & Agahi, 2014) مطابقت دارد.

ضرورت توجه دهیاران به مسائل اقتصادی و مدیریت بحران و اختصاص بودجه و وقت لازم از سوی دستگاه‌های اجرایی کاملاً مشهود و از یافته‌های این تحقیق بود، ظرفیت‌های نادیده گرفته شده‌ای در دل جوامع محلی نهفته است که با شناخت دقیق و حمایت هدفمند می‌توان آنها را بالفعل کرد. رونق نسبتاً خوب فعالیت‌های کشاورزی، نزدیکی به بازار محصولات کشاورزی، قابلیت ارائه محصول با استفاده از برنامه بازاریابی مؤثر، از اهم ظرفیت‌های بخش ماهیدشت محسوب می‌شود. ایجاد کارگاه‌ها و مشاغل درآمدزا، وصول بهای خدماتی که دهیاری ارائه می‌دهد، برنامه‌ریزی و شناخت و افزایش پتانسیل‌های گردشگری، تشکیل تعاونی برای فروش محصولات تولیدی به گردشگران، سرمایه‌گذاری مشترک دهیاری با بخش‌های خصوصی و عمومی غیردولتی، از جمله مهم‌ترین فرصت‌های پیش‌روی دهیاری‌های بخش ماهیدشت محسوب می‌شوند. بنابراین پیشنهاد می‌شود تلاش‌های بیشتری در راستای ایجاد تسهیلات برای دهیاران در زمینه کارآفرینی روستایی و حمایت از کارآفرینان یا ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاران برای فعال شدن اقتصاد مردم‌پایه در روستاهای تحت مدیریت آنها صورت پذیرد. ارائه آموزش‌های مهارت‌محور به روستاییان، همچنین ارائه طرح‌های زودبازده در روستاها توسط مدیران و دهیاران جهت بکارگیری مهارت‌های مردان، زنان و علی‌الخصوص جوانان روستایی منجر به تقویت اقتصاد روستایی و موفقیت دهیاران خواهد شد.

عامل آموزشی به‌عنوان دومین عامل در پیشبرد اهداف دهیاری استخراج شد که با نتایج تحقیقات رای (Ray, 2002)، سینگ (Singh, 2004)، مک‌کافری (Maccaffery, 2005)، دنیس (Dennis, 2005)، مهدوی و نجفی (Mahdavi & Najafi, 2005)، ایمانی‌جاجرومی و فیروزآبادی (Imani-e-jajromi & Firoozabadi, 2007) و چوبچیان و همکاران (Choobchian et al, 2007) هم‌خوانی دارد. پیشنهاد می‌شود آموزش دهیاران قبل از شروع به کار دهیاران صورت پذیرد، همچنین در طول خدمت دهیاران با انجام نیازسنجی آموزشی و شناخت نیازهای آموزشی امکان برخورداری از مشاوره‌ها و خدمات تخصصی برای دهیاران و اعضای شورا فراهم شود. فراهم نمودن امکانات و تسهیلات آموزشی جهت افزایش آگاهی روستاییان نسبت به دهیاری و وظایف آن جهت جلب مشارکت و همکاری روستاییان نیز از ضروریات است و هر چه آموزش بیشتر صورت گیرد، به همان اندازه دستیابی به توسعه آسان‌تر خواهد بود.

عامل ساختاری- مدیریتی به‌عنوان سومین عامل در پیشبرد اهداف دهیاری استخراج شد که این یافته با نتایج تحقیقات واکر و لوز (Walker & Lowes, 1997)، هیسکی و سلیگسون (Hiskey & Seligson, 2003)، رمانایدو (Ramanaidu, 2011)، طالب (Taleb, 1997)، نادری مهدی (Naderi-e-mahdei, 2015) مطابقت دارد. عزل و نصب دهیاران توسط اعضای شورای اسلامی باعث عمل نمودن برخی از اعضای شورا بر اساس تفکرات قومی- قبیله‌ای و کاهش امنیت شغلی

دهیاران و نفاق و جدایی بین دهیار و شورا گردیده است و از طرفی هم تأیید بخشداری و صدور حکم دهیار منوط به معیارهای دقیق و احراز صلاحیت سمت دهیار نشده است و این موضوع زمینه را برای اعمال نفوذ و سلاقی سیاسی (که هم‌اکنون در روستاهای مورد مطالعه مشاهده شده است) فراهم آورده است و از طرف دیگر هم بنا به دلایل خیرخواهانه و از روی دلسوزی در تصمیم‌گیری‌های دهیاری مداخله کرده و گاهی به جای دهیار تصمیم می‌گیرند و به‌جای دهیاری در مدیریت روستایی نقش آفرینی می‌کنند. پیشنهاد می‌شود با تعیین معیارهای دقیق در انتخاب دهیاران مانند: قابل اعتماد بودن، تحصیلات مرتبط، داشتن سعه صدر، نداشتن تکبر و غرور، بی‌پهلو، نداشتن روحیه جاه‌طلبی و سیاست‌بازی، انعطاف‌پذیری در تطابق دادن خود با اعضای شورا و روستاییان، روابط عمومی بالا، توانایی جلب مشارکت‌های مردمی، آشنایی با مسائل مالی و حقوقی، اعتقاد به تفویض اختیار و تقسیم کار، عزل و نصب دهیاران بر اساس نظرات هیأت منصفه متشکل از نماینده دفتر امور روستایی، بخشداری، شورای عالی استان و شورای روستا، بر اساس معیارهای دقیق (همانند موارد ذکر شده) انجام شود. با توجه به اینکه عامل ساختاری- مدیریتی بالاترین همبستگی با گویه «انتخاب افراد متخصص و آشنا به کار و باتجربه به‌عنوان اعضای شورا و دهیار در پیشبرد اهداف دهیاری مؤثر است» را نشان داد، آموزش، یادگیری و آشنایی با حقوق و قوانین مربوط به محیط روستا و مدیریت محلی توسط دهیاران موجب خواهد شد که با بینش، دانش و آگاهی در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری-ها مشارکت نمایند و قادر شوند برای توسعه روستا ظرفیت‌سازی کنند و ارائه الگوهای مناسب مدیریتی و رفتاری برای دهیاران با استفاده از نشریات یا فضاهای مجازی که استفاده از تجربیات دیگران سبب ایجاد دانش و آگاهی بیشتر خواهد شد.

عامل حمایتی به‌عنوان چهارمین عامل در پیشبرد اهداف دهیاری استخراج شد که این یافته با نتایج تحقیقات سینگ (Singh, 2004)، ایمانی‌جاجرومی و فیروزآبادی (Imani-e-jajromi & Firoozabadi, 2007)، مرادی و آگهی (Moradi & Agahi, 2014)، نادری مهدی (Naderi-e-mahdei, 2015) مطابقت دارد. پیشنهاد می‌شود که مسئولین در بالاترین سطح با بازنگری در وظایف دهیاری‌ها به رفع ضعف قوانین مرتبط با حمایت از دهیاری‌ها بپردازند و ساختاری متناسب با وظایف، اهداف و مأموریت‌های این تشکیلات به‌وجود آورند. ساختار و تشکیلات دهیاری‌ها در عین بومی بودن و سنتی بودن، چند کارکردی باشند و نهادهای بیرونی خود را با این تشکیلات هماهنگ و همسو نمایند. با توجه به اینکه عامل حمایتی بالاترین همبستگی با گویه «وجود افراد ثروتمند، با نفوذ و معتمد و حامی دهیاری در پیشبرد اهداف دهیاری تأثیرگذار است» را نشان داد، پیشنهاد می‌شود که جلسات منظم ماهانه با حضور افراد با نفوذ و معتمد به منظور آگاه‌سازی روستاییان از اهمیت پرداخت

عوارض به دهیاری نظیر عوارض ساخت و ساز، دیوارکشی و غیره، که موجب وصول درآمدهای محلی دهیاری می‌شود برگزار شود.

عامل انگیزشی به‌عنوان پنجمین عامل در پیشبرد اهداف دهیاری استخراج شد که این یافته با نتایج تحقیقات رای (Ray, 2002)، مهدوی و نجفی (Mahdavi & Najafi, 2005)، چوبچیان (Choobchian et al, 2007) مطابقت دارد. پیشنهاد می‌شود رضایت شغلی دهیار از طریق تضمین امنیت شغلی، ایجاد فضای رقابتی سالم بین دهیاران برای افزایش سطح عملکرد آن‌ها و تشویق و قدردانی از دهیاران موفق و معرفی آنان به عموم روستاییان و درجه‌بندی آن‌ها براساس میزان موفقیت فراهم شود. با فراهم شدن رضایت شغلی، دهیار انگیزه بیشتری جهت شرکت در دوره‌های تخصصی و حتی ادامه تحصیل در رشته‌های مرتبط با مدیریت روستایی خواهد داشت. شایان ذکر است که منظور از تضمین امنیت شغلی دهیاران، استخدام دهیاران نیست بلکه منظور این است دهیاری که وظایف خود را با علاقه و انگیزه و به‌درستی انجام می‌دهد بر اساس سلايق شخصی و بی‌دلیل از کار برکنار نشود و عزل و نصب دهیاران زیر نظر کمیته‌ای متشکل از نماینده دفتر امور روستایی، بخشدار، شورای عالی استان و شورای روستا و بر اساس مدارک و دلایل کافی صورت پذیرد. به‌منظور افزایش انگیزه در دهیاران، پیشنهاد می‌شود تعاونی‌های فعال دهیاری در بخش‌ها ایجاد شوند تا با تجميع سرمایه و امکانات دهیاری‌های پراکنده، تعاونی‌های دهیاری بتوانند بیشتر امور عمرانی روستاها را بر عهده بگیرند و از این طریق با درآمدزایی، بخشی از نیازهای مالی دهیاری تأمین شود.

عامل مشارکتی - هماهنگی به‌عنوان ششمین عامل در پیشبرد اهداف دهیاری استخراج شد که این یافته با نتایج تحقیقات لیکان (Likane, 1992)، سینگ (Singh, 2004)، مهدوی و نجفی (Mahdavi & Najafi, 2005)، چوبچیان (Choobchian et al, 2007) مطابقت دارد. نگاهی راهبردی به نقش نهادهای محلی ایجاب می‌کند که آنها نه تنها به‌عنوان ابزار اجرایی، بلکه به مثابه نهادهایی یادگیرنده و نوآور دیده شوند که می‌توانند الگوهای جدیدی از حکمرانی محلی را شکل دهند. این امر مستلزم آن است که دولت‌ها از تمرکزگرایی پرهیز کرده و بسترهای مشارکت مؤثر و پایدار مردم را فراهم آورند. بنابراین پیشنهاد می‌شود به‌منظور پیشبرد اهداف دهیاری، دفتر امور روستایی و شوراهای استانداری جلساتی توجیهی با حضور مدیران سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با روستا به‌منظور تشریح وظایف دهیاری و فراهم نمودن زمینه‌های همکاری کلیه سازمان‌ها و نهادها با دهیاران و انعقاد تفاهم‌نامه‌های همکاری با نهادها و سازمان‌ها و تأکید بر تعامل بیشتر و بهتر آنان با دهیاری و به رسمیت شناختن دهیار به‌عنوان مدیر همه‌جانبه روستا برگزار گردد و جهت شناسایی دهیاران در مراجعات بعدی به این نهادها و سازمان‌ها نیز کارت شناسایی صادر نمایند. با توجه به اینکه عامل مشارکتی - هماهنگی همبستگی بالایی با گویه «دهیاری باید قادر به جلب اعتماد مردم باشد و

مشارکت و همکاری مردم خیلی مهم است» را نشان داد و مطالعات میدانی حاکی از این بود که یکی از اصلی‌ترین دلایل مشارکت پایین روستاییان با دهیاران عدم داشتن اعتماد و اطمینان کافی به این نهاد است، پیشنهاد می‌شود که برنامه‌ریزی‌های کافی از سوی دست‌اندرکاران مانند ارائه گزارش و اطلاع‌رسانی منظم به روستاییان در مورد اقدامات انجام شده، جهت اعتمادسازی در بین روستاییان و رفع این مشکل صورت پذیرد.

عامل قانون محوری- استقلال به‌عنوان هفتمین عامل در پیشبرد اهداف دهیاری استخراج شد که این یافته با نتایج تحقیقات مرادی و آگهی (Moradi & Agahi, 2014)، مطابقت دارد. از آنجا که دهیاری‌ها فاقد قدرت اجرایی لازم هستند و نظام حاکم بر الگوی سازمانی ارائه خدمات به روستاها به‌صورت بخشی عمل کرده و هر وزارتخانه راساً تا پایین‌ترین رده وظایف خود را ارائه می‌دهد در عمل مشکلاتی جهت پیاده شدن خواست‌ها و تصمیمات دهیاری به‌وجود می‌آید. از این رو پیشنهاد می‌شود قانونی جهت استقلال دهیاری به‌منظور نشان دادن دهیاری به‌عنوان یک نهاد رسمی و مردمی با وظایف شفاف و مشخص و لازم‌الاجرا و حیطة اعمال قدرت تعریف شده و حاوی مرزبندی مشخص در مجلس شورای اسلامی تصویب شود و دستگاهی برای ثبت درآمدهای دهیاری در راستای شفاف‌سازی نهادی و نظارت بر سامانه بودجه دهیاری کشور تدراک ببیند و سپس مسئولیت توسعه اقتصادی روستا به دهیاری واگذار شود. با توجه به اینکه عمل قانون محوری- استقلال بالاترین همبستگی با گویه «دهیار استقلال عمل داشته باشد و بتواند اولویت‌بندی پروژه‌های روستایی را تعیین کند» را نشان داد، پیشنهاد می‌شود در راستای تغییر نگرش مدیران سازمانی نسبت به همکاری با مدیران محلی و قبول مدیران محلی توسط مدیران سازمانی و ارگان‌های دولتی (در صورت لزوم آموزش به آن‌ها) تلاش‌های بیشتری صورت پذیرد.

سپاسگزاری

محققان بر خود واجب می‌دانند از همکاری مدیریت محترم دفتر امور روستایی و شوراهای استانداری کرمانشاه، کارشناسان استانداری کرمانشاه و بخشداری ماهیدشت، دهیاران، اعضای شورای اسلامی روستا، مردم محلی روستاهای مورد مطالعه که در انجام مصاحبه‌ها و تدوین شاخص‌ها وقت گذاشته‌اند کمال تشکر را داشته باشند.

References

Aazami, M. & et al. (2015). Investigating the status of participation and its influencing factors on Tangestan hadi Plan. *Journal of Agricultural Economics and Development*. 46-2(4), 881- 899. doi: [10.22059/ijaedr.2016.58040](https://doi.org/10.22059/ijaedr.2016.58040) [In Persian].

- Ahmadi Meybodi, S.J., Ahmadian, M.A., & Jafari, H. (2022). Spatial analysis of the performance of village councils in the development of the rural economy of the central part of Mashhad county. *Geograp. Region. Develop*, 20(1), 155-186. doi:10.22067/jgrd.2022.74314.1099 [In Persian].
- Aizuddin Md Rami, A., Aziz, F., Zaremohzzabieh, Z., & Abdullah, I. (2021). Assessing the Challenges of Local Leaders in Rural Community Development: A Qualitative Study in Malaysia. *Pertanika Journal of Science and Technology*, 29(S1), 1-18. doi:10.47836/pjssh.29.s1.01.
- Amini A, Jamini D. (2014). An Analysis of the Rural Community Evaluation of Village Administrations' performance Using Structural Equation Modeling. *Journal Researches Geography*, 29(2), 177-196 URL: <http://georesearch.ir/article-1-409-fa.html> [In Persian].
- Athari, Z. & Alibeygi, A.H. (2010). Analysis Kermanshah farmers perceptions of cooperatives. *Journal of Agricultural Economics and Development*. 41-2(4), 565- 576. [20.1001.1.20084838.1389.412.4.15.8](https://doi.org/10.22001.1.20084838.1389.412.4.15.8) [In Persian].
- Choobchian, SH. & et al. (2007). Factors affecting the performance of rural municipals in guilan province, *Journal Rural and Development*. 10(2), 88- 108. [In Persian].
- Dennis, E. & Erdmann, D. (2005): Improvement of job preformation, available on: <http://www.traintoingrain.com/tda/2005/> Improving perfo. Html.
- Elena, I., & Kostyukova, I. (2023). On the assessment of socio-economic development of rural areas on the basis of living standards. *Izvestiya Timiryazev Agricultural Academy*. <https://doi.org/10.26897/0021-342x-2023-1-114-129>
- Faizi, A. (2011). Assessing the performance of rural municipals from the viewpoint of villagers (Case study: rural municipals of Kamyaran city). MA. Dissertation, Islamic Azad University, Iran. [In Persian].
- Fal-e-soleiman, M. & et al. (2012). Investigating and evaluating the performance of rural municipals in rural management and development (Case study: Central part of Birjand city), *journal Rural Research and Planning*. Number 1, 73- 95. [In Persian].
- Farahani, H. & Rostamkhani, A. (2012). Investigating and evaluating the role of rural municipals on the quality of life in rurals: Karsaf village, *Journal Urban Management*. Number 30 Autumn & Winter, 195- 206. URL: <http://ijurm.imo.org.ir/article-1-189-fa.html> [In Persian].
- Fathali, M. (2012). Evaluation of rural municipals Performance in rural management Sulaghan village, Kan section, Tehran city. MSc. Dissertation, Islamic Azad University, Iran. [In Persian].

- Ghadiri-e-masoum, M. & Riahi, V. (2004). Examining the roles and challenges of rural management in Iran. *Journal Geographic Research*. 36(50), 177- 198. [In Persian].
- Ghanbari, S. & Bahrami, K. (2016). Local management and its role in the physical development of rural settlements (Case study: Chenaran city). *Journal Regional Planning*, 6(22), 135- 146. [20.1001.1.22516735.1395.6.22.11.1](https://doi.org/10.1001.1.22516735.1395.6.22.11.1) [In Persian].
- Goldman, I. (2002). Local Governance For Rural Development: A case study from south and East Africa, policies and approaches for rural poverty reduction, 1-7.
- Hajarian, A. (2023). Structural analysis of modern management (village councils) in rural development: A case study of Baran-e Jonoubi district. *Quarterly Journal of Regional Planning*, 13(52), 319-332. <https://doi.org/10.30495/jzpm.2022.27616.3867>, [In Persian].
- Helpap, D. J. (2023). Assessing and Addressing the Challenges of Rural Local Governments. *State and Local Government Review*, 55(4), 322-332. doi.org/10.1177/0160323X231200830.
- Hiskey, J. & M. seligson. (2003). Pitfalls of power to the people: Decentralization, Local Government performance, and system support in Bolivia, studies in comparative International Development 37(4), 64-88.
- Imani-e-jajromi, H. & Firoozabadi, S.A. (2007). Examining local performance management performance models: Emphasizing urban and rural management organizations in Iran, *Journal social Sciences*. Number 32, 91- 111. [In Persian].
- Likane, Jeffrey. (1992). Assessment of the situational and individual component of job performance. Texas: A & M University. Department of Management.
- Lotfi, H. & et al. (2016). Analysis of rural municipals performance in the economic development process of rural settlements Case: Badrod County-Natanz City. *Journal Regional Planning*, 6(22), 165- 176. [In Persian].
- Maccaffery, Jim. (2005): Job performance. Available on: www.studiesonline.org.
- Mahdavi, M. & Najafi, A. (2005). Rural municipals, another experiences in managing Villages in Iran (Case study: rural municipals of West Azarbaijan Province). *Journal Geographic Research*. 37(53), 21- 39. [In Persian].
- Mahdavi, A. & et al. (2016). Identification of farmers' viewpoints on the rural development provider in Lorestan Province. *Journal of Agricultural Economics and Development*. 47-2(1), 35- 45. DOI: [10.22059/ijaedr.2016.58832](https://doi.org/10.22059/ijaedr.2016.58832) [In Persian].
- Masrounejad, N., Moulai Hashjin, N., Pourramzan, A., & Basit Qureshi, M. (2021). Explaining the effective factors on the efficiency, effectiveness of

management, and rural participation in the development of the villages of Soumesara County with a good governance approach. *Human Geogr. Res.*, 53(4), 1523-1541. doi:10.22059/JHGR.2021.303827.1008129 [In Persian].

Miller, S.E. and Bently, J. (2001). *Rural Management: problem solving for the Long Term*. Ames, IA: University of Iowa.

Moradi, Kh. & Agahi, H. (2014). Examining rural management challenges with qualitative approach to basic theory. *Journal Geography and Development*. 34, 167- 181. doi: [10.22111/GDIJ.2014.1440](https://doi.org/10.22111/GDIJ.2014.1440) [In Persian].

Mosavi, S.E. (2013). Evaluation of rural municipals Performance from the Viewpoint of Villagers (Case Study: Shahreza City). MSc. Dissertation, Bu Ali Sina University, Iran. [In Persian].

Motiee-e-langroudi, S.H. (2003). New management for rural renewal (European and North American experience). *Journal Geography and Regional Development*, 1(1), 229- 251.

Naderi-e-mahdei, K. (2015). Investigation of the preventive factors of rural modern management in Hamadan province. *Journal Rural Research*, 6(1), 187-208. doi: [10.22059/jrur.2015.54237](https://doi.org/10.22059/jrur.2015.54237) [In Persian].

Peng, Y.; Peng, X.; Li, X.; Lu, M.; Yin, M. (2023). Effectiveness in Rural Governance: Influencing Factors and Driving Pathways—Based on 20 Typical Cases of Rural Governance in China. *Land*, 12, 1452. doi:org/10.3390/land12071452.

Ramanaidu, S.K. (2011): uncovering the relationship between transformational leadership, organizational culture, Affective commitment and Employee performance: The case of a Malaysian Educational Institution. Doctoral dissertation, university of New Castle. Faculty of Business and Law, New Castle business school.

Ravanbakhsh, F. (2011). Analysis of factors affecting rural municipals performance in rural management (Case study: Mir javeh section of zahedan city). MSc. Dissertation, University of Sistan and Baluchestan, Iran.

Ray, C. (2002), towards a theory of the dialectic of rural development. *Journal of Rural Studies*, 3, 345-362.

Rezvani, M.R. & et al. (2013). Evaluation of rural municipals performance using the general assessment framework model (CAF) (Case study: Dehloran County), *Journal Human Geography Research*, 45(1), 199- 216. doi: [10.22059/jhgr.2013.30046](https://doi.org/10.22059/jhgr.2013.30046) [In Persian].

Rural Affairs Office and Kermanshah Governorate Councils. (2025). Statistics rural municipals of Mahidasht County of Kermanshah.

Saraceno, E. (2000). Recent trends in rural development and their conceptualization. *Journal of Rural Studies*, 10(4), 321-330.

- Singh, N. (2004). Information technology and rural development in India. Paper 563, Department of Economics, University of California, Santa Cruz: 34.
- Svetlana, G., & Ruchkin, A. (2023). The role of cooperatives in the sustainable development of rural areas. *Agrarnaya Nauka*. <https://doi.org/10.32634/0869-8155-2023-371-6-131-138>
- Taghdisi, A. & et al. (2011). Investigating and analyzing the performance of farmers in rural management, *Journal Urban Management*. Number 28 Autumn & Winter, 157- 174. URL: <http://ijurm.imo.org.ir/article-1-102-fa.html> [In Persian].
- Taleb, M. (1997). Rural Management in Iran, fourth printing, Tehran: University of Tehran. [In Persian].
- Walker, D.H. and Lowes, D. (1997). Rural management: opportunities and challenges in the application of AI. *AI Applications*, 11(2), 41-51.
- Weitz-shapiro, R. (2007). The Local connection: Local Government performance and satisfaction With Democracy in Argentina, *Comparative Political Studies*, 41(3), 285-308.